

گزارشی از طرف عده ای از کارگران چینی همگام شهرکرد

شنبه دوم آذر ۱۳۸۷

امید ح. ت

تجربه ای عینی از اتحاد کارگران شاغل و بیکار

مقدمه: آنچه در زیر می خوانید شرح و تاریخ شکل گیری یکی از اعتراضات کارگری پردامنه در این سالها می باشد. اخبار اعتراضات کارگران چینی همگام هرچند به صورت جسته و گریخته در اخبار و گزارشات کارگری منعکس شد، اما گزارش زیر تلاش می کند شرح ماقوع را به صورت مفصل همراه با نگاهی تحلیلی که از پی آن می آید منعکس کند. جملات داخل گیومه از زبان یکی از کارگران که در جریان اعتراضات حضور داشته، بیان شده است:

شرکت چینی همگام در سال ۱۳۶۷ در اطراف شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری تاسیس شد. استانی که به علت واقع شدن در دامنه زاگرس از آب و هوایی سرد و کوهستانی برخوردار بوده و فاصله مرکز آن تا شهر صنعتی اصفهان ۱۰۰ کیلومتر می باشد. مردم این استان به علت نبود صنایع بزرگ و متوسط در استان برای کسب درآمد و گذران زندگی بیشتر به دامپروری و کشاورزی در قالب عشایر کوچ نشین یا مهاجرت و کارگری در شهر های صنعتی مجاور، عسلویه و کشورهای حاشیه خلیج فارس روی آورده اند.

کارخانه چینی همگام در مساحتی کوچک و با تعداد اندکی کارگر و ظرفیت تولید پائین شروع به کار کرد. اما به مرور به علت تقاضای بالای بازار، کارخانه توسعه داده شد و نیروی کار بیشتری به استخدام درآمد تا آنجاییکه تعداد کارگرها به ۵۰۰ نفر رسید.

در ابتدای کار امکانات اولیه کار همچون بیمه، لباس کار، سرویس رفت و آمد بین شهری، حقوق و مزایا و بن کارگری به صورت منظم وجود داشت و بسیاری از کارگران رسمی بودند. مرغوبیت چینی همگام چنان بود که علاوه بر فروش داخلی به کشورهای عربی هم صادر می شد. تا سال ۸۳ هر چند دستمزدها نسبت به کارخانه های منطقه و استان های همجوار کمتر بود اما با این وجود کارگران از اینکه حقوق ها به موقع پرداخت می شد اعتراضی نداشتند. از سال ۸۳ کم کم تشویقی ها و امکانات ابتدایی قطع شد. پرداخت حقوق ها ۳ ماه یکبار و حتی بیشتر به تعویق افتاد. به موازات بد شدن شرایط معیشتی کارگران، سرمایه صاحب کارخانه روز به روز افزایش می یافت و وی به سرمایه گذاری در کشورهای عربی روی آورد. سید محمدرضا سید نبوی مدیر عامل سابق سیمان آبیگ علاوه بر چینی همگام دارای سهام عمده ای از شرکت آب معدنی شادکام در سامان و کریستال نگین در تهران می باشد. خروج سرمایه ها از داخل کشور و سرمایه گذاری در بخش هتل سازی موجب اعلام ورشکستگی و اخراج عده زیادی از کارگران چینی همگام از سوی نبوی شد. هم زمان با این وقایع و مشکلات اقتصادی کارگران، اولین سری از اعتصابات شروع شد. کار فرما برای جلوگیری از ادامه اعتصاب کارگران و تهدید آنها تعدادی زیادی از کارگران را بدون اینکه طلبهای آنها را پرداخت کند اخراج کرد. در آن هنگام عده کارگران به علت عدم آگاهی از حقوق خود و ترس از بیکاری و وعده های کارفرما تن به کار دادند و کارگران اخراجی را در مبارزه شان برای گرفتن حقوق و

مزایا تنها گذاشتند. کارفرما با وجود اخراج بخشی از کارگران با بالا بردن شدت کار و افزایش اضافه کاریها تولید را افزایش داد. چنانچه در سال ۸۳ تولید چینی ۶ تن در روز، درحالیکه در سال ۸۵ با وجود اخراج تعداد زیادی از کارگران، تولید به ۱۲ تن رسید. با این وجود پرداخت حقوق ها همچنان با تاخیر انجام می گرفت. تا آنجا که چند ماه بعد دوباره اعتصاب ها آغاز شد.

"پس از هر اعتصاب کارفرما وام های کلانی به اسم کارگران می گرفت، به بهانه اینکه قرار است حقوق عقب افتاده مان را بپردازد ولی خبری از حقوق نبود. صاحب کارخانه به جای کارگران اخراجی تعدادی کارگر جدید استخدام کرد. کارگرانی که کار در یک شرکت نیمه ورشکسته را به بیکاری ترجیح می دادند. عدم حمایت ما از کارگران اخراجی علاوه بر نا آگاهی طبقاتی به دلیل نبود کار و اجبار زندگی است. کارفرما به خوبی از ناآگاهی ما استفاده کرد. ابتدا عده ای از قدیمی ترها را اخراج کرد سپس به سراغ ما جدیدترها آمد. اگر از ابتدا با اتحاد و همبستگی همگی مقابل کارفرما ایستاده بودیم، چنین پیشروی در سلب حقوق ما همچون قطع مقطعی سهمیه ناهار، کم کردن وقت غذا و استراحت و ... اتفاق نمی افتاد."

خواسته حداقلی کارگران در درجه اول پرداخت به موقع حقوق بود و نه ساعت های کار اجباری و نه هر گونه رفتار ضد کارگری دیگر!

کم کم اعتصاب های متوالی به جایی رسید که کارگران به اداره کار و مقام های بالاتر در استانداری رجوع کردند ولی باز هم کوچکترین تاثیری در وضعیتشان نداشت. تنها کاری که این کارپردازان سرمایه داری انجام می دادند قول های بیهوده ای بود مبنی بر پیگیری حقوق کارگران. در طی این مدت هر سال به علت اعتصاب کارگران، کارخانه ۱ ماه تعطیل بود و پس از گذشت مدتی کارگران به ناچار و برای تامین معاش خانواده به سر کار باز می گشتند. در این دوره زمانی حقوق ها ۶ ماه یک بار پرداخت می شد.

نکته ای که باید تاکید کرد این است که کارفرما هر سال تعدادی از کارگران را اخراج کرده و نیروهای کارگری جدید استخدام می کرد و کارگران باقی مانده شرکت را به قسمت های سخت تر برده و کار های مشکل تر را به آنها واگذار می کرد. در همین زمان بود که رفتارهای ضد کارگری کارفرما بالا گرفت و برای اینکه به کارگران سنوات تعلق نگیرد بعد از پایان ۱۱ ماه کار آنها را تهدید به اخراج می کرد و از آنها تعهد می گرفت که سنوات خود را ببخشند! در آذر ماه ۸۶ کارگرانی که شرایط سخت زندگی کار را به استخوانشان رسانده، به استانداری مراجعه می کنند و در آنجا به اعتراض مشغول می شوند. ولی کارمندان های مسئول در استانداری با همان پوزخند های همیشگی جوابهای بیهوده می دهند. وعده هایی که هیچ گاه عملی نمی شود.

در همین ماه معاون وزیر کار و امور اجتماعی با کارکنان مسئول در اداره کار استان جلسه ای پیرامون مشکلات کارگران چینی همگام برگزار می کنند که در این جلسه کارفرما قول می دهد هر ماه حقوق کارگران را بدهد و علاوه بر آن هر ماه یک پایه حقوق عقب افتاده کارگران را نیز بپردازد ولی این بار نیز این وعده ها عملی نمی شوند.

"این بار اعتصاب گسترده ای توسط کارگران زن و مرد شرکت چینی همگام صورت گرفت و به استانداری کشیده شد. در جلوی ساختمان استانداری با پلاکارد های "ما کارگران چینی همگام شهر کرد خواستار ۶ ماه حقوق عقب افتاده خود هستیم" اعتراض خود را اعلام کردیم. قبل از این زنان کمتر به این گستردگی در اعتصاب شرکت می کردند."

در این تحصن هم استانداران از کارفرما حمایت آشکار کرد. او گره ای از مشکلات ما باز نکرد. ما را تشویق به کار کرده و قول اعطای وام به شرکت و پرداخت حقوق عقب افتاده به ما داد."

در همین موقع بود که ۲۰۰ نفر از کارگران رسمی و سابقه دار و قراردادی اخراج می شوند. حتی با آن ها تصفیه حساب هم نمی شود و سوابق و حقوق عقب افتاده شان پرداخت نمی شود. پس از گذشت این واقعه کارگران يك ماه کار کردند. به علت عدم دریافت حقوق، شرکت در مدت ۲ ماه زمستان تعطیل شد و در اسفند ماه دوباره با قول و قرارهای کارفرما مبنی بر گرفتن وام میلیاردی و حل مشکل کارگران، بازگشایی شد. این بار تعداد کارگران کمتر شده بود، اما شرکت در این ماه فروش زیادی داشت. کارفرما گفته بود هر کس تا ۲۵ اسفند سر کار حاضر شود ۲ پایه حقوق از طلبکاری خود را می گیرد. اما تا اواخر اردیبهشت دوباره خبری از حقوق نشد. کارفرما چند هفته بعد يك ماه پایه حقوق فروردین را به کارگران داد و اعلام کرد کارگران هیچ گونه طلبی از شرکت ندارند در صورتی که کلیه کارگران ۶ ماه حقوق و دستمزد نگرفته بودند.

اوایل خرداد ماه راننده های سرویس ایاب و ذهاب کارگران در شرکت حاضر نشدند و ۲ روز غایب بودند. کارفرما مجبور شد ۲ پایه حقوق به آنها بدهد تا کارگران را به محل کار برسانند. در همین زمان بود که رئیس جمهور و هیئت دولت در سفر استانی خود که به استان داشتند جلسه ای هم با نماینده هایی از کارگران چینی همگام داشتند که در این جلسه هم گره ای از کار کارگران گشوده نشد. مثل اینکه همه دست به یکی کرده بودند تا کارگران روز به روز به روز گرسنه تر شوند.

چند روز از خرداد ماه گذشته بود که کارگران اخراجی سال قبل وقتی دیدند که از حقوق خبری نیست و آقای احمدی نژاد هم برایشان کاری نکرد، صبرشان تمام شد و با حکم از دادگاه جلوی فروش و کامیون حامل اجناس را گرفته و حتی يك شب جلوی کامیون خوابیده و بار کامیون را در انبار خالی کردند. چند روز بعد برای اینکه جلوی فروش را بگیرند و حق و حقوق خود را پس بگیرند با حکم دادگاه در انبار را قفل کرده و شبانه در چادر شرکت زدند. کارگران اخراجی به صورت شیفتی در شرکت می آمدند و نگرهبانی می دادند که جنس جهت فروش از شرکت خارج نشود. در این شرکت بزرگ فقط کارگران زن با يك مدیر تولید زن و تعداد کمی کارگر مرد باقی ماندند. کارگران زن کمتر در اعتصابات با کارگران اخراجی همکاری می کردند.

هر روز شایعه می شد که از اداره کار خبر آمده است که وامی در کار نیست و کارگران سر کار گذاشته شده اند. چند روز بعد کارگران مرد تصمیم گرفتند که از اول تیر ماه در کارخانه حضور داشته باشند ولی کار نکنند.

"ده روز اول تیر ماه کارگران در شرکت حضور داشتند ولی کار نمی کردند. در همین مدت همان نان و پنیر هم قطع شد. کارگران اخراجی در محل کار کارگران حاضر شدند و کارگران شاغل و سرپرست تولید را تهدید به قتل کردند و به کارگران زن هم توهین کردند. تا قبل این که کارگران اخراجی از کارگران زن بخواهند دست از کار بکشند کارگران زن کمتر در اعتصاب شرکت می کردند، مدیر عامل شرکت آنان با نیرو فریب آنان را به کار واداری کرد. این جا بود که کارگران زن و مرد همگی دست از کار کشیدند. کارگران اخراجی می گفتند نباید سر کار حاضر شوید تا فکری به حال همه شود چون هیچ کدام از ما کارگران امنیت شغلی نداریم. از طرفی کارگران اخراجی حق داشتند و می گفتند اگر شما هم با ما همراه می شدید شاید بتوانیم به کمک همدیگر حق و حقوقمان را بگیریم. حقیقت این است که نه

تنها کارگران يك شرکت بلکه کارگران يك استان و استان های دیگر باید با هم متحد شوند و به کمک هم بشتابند تا بتوانند روزی حق کارگر را از سرمایه داری بگیرند."

"در این جا باید ماجرای را تعریف کنم که در زمستان ۸۶ پسر یکی از کارگران توسط برق گرفتگی به کما رفت که به علت نداشتن پول نتوانستند او را به بیمارستان اصفهان یا تهران منتقل کنند و بعد از مدتی که قصد انتقال او را داشتند به علت دیر رساندن، او فوت کرد یا در ماجرای دیگر یکی از کارگران مرد در آتش سوزی در منزل مسکونی خود در آتش سوخت ولی هیچ کمکی به خانواده او جهت درمانش نشد. کارگران بیکار به اداره کار مراجعه می کردند ولی مسئولان به فریادشان نمی رسیدند و تکلیفشان را معلوم نمی کردند، یا بیمه بیکاری به آنها بدهند یا کارخانه را به کسی واگذار کنند و کارگران مشغول به کار شوند. اگر کارخانه از هم بپاشد کسی جز کارگر ضرر نمی کند و تنها او است که بیکار می شود. کارفرما برای کارگران چند ماه بیمه واریز کرد. مثلا اگر کارگر ۲ سال کار کرده بود حدود ۱۵ یا ۱۶ ماه بیمه برای او واریز می کردو جالب اینجاست که این اعمال خلاف قانون با هماهنگی اداره بیمه انجام می شد. در نهایت با پیگیری حقوقی و شکایت های متعدد، اداره کار با محاسبه مطالبات و ارجاع آن به دادگاه، حکم به توقیف اموال شرکت گرفتیم. اما با فرستادن کارشناس از طرف بانک برای قیمت گذاری اموال، از طرف بانک اعلام شد که اموال شرکت در رهن بانک می باشد و دادگاه حق تصرف در آنها را ندارد. پس از این با حکم جلب کارفرما به در کارخانه رفتیم. کارفرما که در اتاق خود مخفی شده بود از نفوذ خود استفاده کرد و ماموران نتوانستند وارد کارخانه شوند. ساعاتی بعد ماموران پاسگاه محل را ترک کردند و وقتی ما دلیل را پرسیدیم گفتند دستور از بالا آمده است. ما تا نیمه شب دم در کارخانه بودیم تا اینکه رئیس اداره صنایع آنجا آمد و کارفرما را به پاسگاه برد. وقتی به اتفاق پاسگاه رفتیم گفتند حکم جلب از طرف دادستان لغو شده است. وقتی نزد دادستان رفتیم او به هیچ وجه حاضر به صحبت نشد. اکنون نزدیک یک سال از آن واقعه می گذرد و ما همچنان در بلا تکلیفی به سر می بریم و خبری از حقوق از دست رفته مان نیست. تعداد زیادی از مسئولین در این مدت از جمله استاندار، بازرس ویژه رییس جمهور، رئیس دادگستری و ... به ما کارگران طلبکار که ۱۷۰ نفر هستیم، قول هایی دادند که تاکنون نه تنها هیچ کدام عملی نشده است بلکه بارها از طرف نیروی انتظامی و اداره اطلاعات محکوم به سیاسی کاری و برخورد شده ایم. دلیل اینکه اکثر اعتصاب ها به ناکامی می انجامد این است که اکثر کارگران این شرکت از حقوق خود مطلع نبودند و فقط برای زنده ماندن، دردهای روحی و جسمی و کار در شرایط سخت را تحمل می کردند و با حداقل حقوق تن به کار می دادند. فقط عده کمی از کارگران برای خواسته های خود که معمولا حقوق عقب افتاده می باشد، اعتصاب می کنند و گاهی نیز در مکان هایی چون استانداری و فرمانداری تجمع می کنند. البته این تجمع ها به تنهایی اثری ندارد چون کارفرما و استاندار و مسئولان اداره کار همه دستشان در دست هم است و تنها عامل که فقط باعث پیروزی کارگران می شود کامل و پیشروی آنها در برابر کارفرما می باشد. همان طور که در تجربه کارگران یخچال سازی لرستان آنها با اتحاد حق خود را از سرمایه داری گرفتند. به امید آن روز که کارگران چینی همگام و تمام کارگران ایران بتوانند حق شان را از سرمایه داری بگیرند."

همانطور که در گزارش بالا خواندید بیش از ۴ سال است که کارگران چینی همگام برای گرفتن حقوق معوقه مقابله با اخراج با مدیرعامل چینی همگام درگیرند. سرنوشت کارگران این شرکت جدای از ویژگیهایش بیان سرنوشت کلیه

کارگران حقوق معوقه است. موقعی که این گزارش را می خوانیم یاد کارگران نساجی هفت تپه و .. می افتیم که سالها اعتراض و تجمع و راهپیمایی کردند و در حال حاضر نیز پیگیر مطالبات خود می باشند.

در میان کارگران چینی همگام اتحاد و همبستگی نسبت به کارگران هفت تپه کمرنگ تر است. بخش کوچکی از کارگران زن و مرد به خاطر عدم آگاهی و دیگر مسایل صاحب کار را می خورند و همراه معترضین نمی شوند. سید نبوی هم از عدم همبستگی کارگران استفاده می کند از کارگران می خواهد از حق سنوات کاری خود را از کارفرما نگیرند. سید نبوی که سودهای کلانی از قبل بهره کشی نیروی کار کارگران انباشت کرده است قانع نیست و می خواهد حقوق کارگران را هم بالا بکشد. در حالیکه کارگران خواستار حقوق معوقه خود هستند از کارگران می خواهد از گرفتن ۶ ماه حقوق معوقه خود بگذرند. چرا سید نبوی به خود اجازه می دهد که از کارگران بخواد حق سنوات و حقوق معوقه خود را نگیرند؟ نبود اتحاد بین کارگران چینی سبب می شود او با پررویی تمام کارگران قدیمی کارخانه را بدون دادن حقوق و سنوات اخراج کند.

اما زمانی که کارگران اخراجی متحدانه وارد شرکت شده و انبار شرکت را تحت کنترل خود در می آوردند و آنگاه که می بیند تهدید کارگران جدی است با تمام جدیت از انبار شرکت نگرانی می کنند، از ترس کارگران متحد از آمدن به شرکت خودداری می کند. واقعیت این است که بخشی از کارگران چینی همگام و به ویژه زنان کارگر بارها از پیوستن به کارگران معترض خودداری می کند. مدیر عامل شرکت از این پراکندگی در میان کارگران سودجویی می کند و او را بر آن می دارد که علاوه بر سودهای کلانی که از قبل کارگران می برد دستمزد آنها را نمی دهد. اما حرکت اخیر کارگران اخراجی می توانند محور اتحاد و همبستگی کارگران چینی همگام باشد. خانواده کارگران چینی همگام می توانند محور اتحاد و همبستگی کارگران چینی همگام باشد. خانواده کارگران چینی همگام می توانند همانند خانواده کارگران هفت تپه همراه کارگران معترض شوند. این بر قدرت و همبستگی کارگران می افزاید. کارگران می توانند خواست ها و مطالبات خود را به گوش کارگران و جامعه برسانند. هرچند کارگران زن و مرد شاغل به خاطر کارگران اخراجی از کاردست کشیدند اما خودشان به این مسئله نرسیدند که رسیدن به مطالبات خود که همان حقوق معوقه می باشد در گرو اتحاد و همبستگی کارگران اخراجی است. بدون شك اگر کارگران با هم متحد بودند صاحب سرمایه نمی توانست آنان را اخراج کند. حال هم که بدون گرفتن حقوق و سنوات خود اخراج شده اند میتوانند با حمایت دیگر کارگران مجدداً به سرکار بیایند. همانطوریکه نظارت بر انبار محصولات را به دست گرفته اند. همانطور که از گزارش بر می آید تنها هدف کارفرما این است که کارگران قدیمی و آگاه را اخراج کنند و به جای آنان کارگران تازه نقش و مطیع با دستمزد کمتر استخدام کند و هر موقع اراده کرد بدون در دسر آنان را اخراج کند چنانکه از کارگران تازه وارد تعهد گرفته است که در صورت صلاح دید بدون گرفتن حق سنوات کارخانه را ترک کنند. اکثریت کارگران تازه وارد شرکت را با دستمزدی زیر دستمزد مصوب قانون کار به کار می گیرد. به یمن بیکاری و حمایت همه جانبه دولتی از صاحبان سرمایه کارگران به خاطر نبود کار با دستمزد بسیار کم هم تن به کار می دهند همانطوریکه سالها کارگران زن برای از دست ندادن کارشان با وجودیکه دستمزدها ماهها اداره نمی شد باز هم به جای پشتیبانی از دیگر همکارانشان هر روز سرکار حاضر می شدند با وجودیکه هم شدت کار بالا بود هم دستمزد پایین بود با وجود اخراج بیش از دویست نفر از کارگران باز هم تولید افزایش یافته بود. این هم از برکت کارشکنی

بعضی از مردان کارگر بود. ولی علاوه بر نیاز به کار و ناآگاهی یکی دیگر از عللی که باعث تفرقه کارگران شده بود. کارگران طی این مدت به خوبی متوجه شدند که کارفرما به تنها چیزی که می اندیشد تولید ثروت است که از به کار گیری نیروی کارگران به دست می آورد و دیگر هیچ. از قبل انباشت سرمایه ای که حاصل از نیروی کارگران است سرمایه گذاری در بخش هتل داری انجام می شود. او به بهانه پرداخت حقوق کارگران بارها از دولت وام گرفت اما سهام کارخانه نگین را افزایش داد. بر کسی هم پوشیده نیست که این کارخانه به خاطر دستمزد پایین و مرغوبیت محصول و بازار فروش ارزش اضافه زیادی را تولید می کند. صاحب شرکت از ندادن دستمزد کارگران هدفش به خوبی روشن است که می خواهد با به تعویق انداختن دستمزد و در نهایت بخش زیادی از دستمزد آنها بر سود خود بیافزاید و به این بهانه وام های کلان هم بگیرد.

همان زمانی که دستمزد کارگران ماهها به تعویق افتاده بود. رانندگان سرویس های کارخانه به خاطر نگرانی کرایه سرویس دو روز دست از کار کشیدند. مدیر عامل که مدام از نداشتن پول می نالید فوراً کرایه سرویس ها را پرداخت چرا که يك روز تعطیلی کارخانه مساوی با از دست دادن نیروی کار صدها کارگر بود که با کارشان چند برابر دستمزدی که قرار بود بعداً بپردازد، ارزش اضافی تولید می کرد.

خواست ها و مطالبات کارگران این واحد تولیدی هم چون صدها کارخانه دیگر عدم امنیت شغلی و گرفتن حقوق معوقه و رفتن سرکار است. اتحاد و همبستگی کارگران این کارخانه و کارگران شاغل (چون ذوب آهن و فولادو ..) است که می تواند سرمایه داران را وادار به پرداخت خواست ها و مطالبات خود کند و نبود امنیت شغلی صرفاً مربوط به کارگران حقوق معوقه و اخراجی و بیکار نیست. کارگران شاغل هم در معرض اخراج قرار گرفته اند منتهی آسیاب به نوبت، سرمایه داران و دولت آکاهانه ابتدا به مقابله با کارگران حقوق معوقه رفتند تا از اتحاد و همبستگی کارگران جلوگیری کنند سپس به سراغ کارگران قراردادی و کارگران رسمی خواهند رفت و گرنه کارگران شاغل هم امنیت شغلی ندارند و همانطوریکه به تازگی بیش از هزار نفر از کارگران ایران خودرو را اخراج کردند و یا در چند سال پیش تعداد زیادی از کارگران ذوب آهن با دستمزد بسار پایین تر جذب شرکت های پیمانی شدند. اما خود کارگران هر کارخانه ای به عنوان مثال کارگران چینی ابتدا در طی اعتراضاتی که داشته اند متوجه شده اند که صاحب کارخانه و عوامل دولتی اداره کار دستشان توی يك کاسه بوده است. برای خسته کردن کارگران و مجبور کردنشان به اینکه خودشان بگذارند بروند هر روز وعده وعیدی تازه می دادند. شاید اکثریت کارگران موضوع را فهمیده باشند که بایستی دستشان را به زانوی خود بگیرند و بلند شوند. اداره کار معجزه نمی کند و آنچه هم تا امروز توانسته انجام دهد صرفاً گرفتن بخش ناچیزی از حقوق معوقه کارگران است که آن هم به همت همبستگی کارگران و اعتصاب يك پارچه خودشان بوده است. همانطوریکه در گزارش آمده است نشست با مسئولین اداره کار و حتی رئیس دولت هم در سفرش به شهر کرد نتیجه نداد. طبیعی است دولتیان از کارگران دفاع نمی کنند. کمی عمیق تر به رابطه بین کارگران و سرمایه داران بپردازیم. کارگران برای به فعل در آوردن نیروی کارشان به سرمایه نیاز دارند. سرمایه داران نیز برای تولید ارزش اضافی نیاز به نیروی کار دارند. نیروی کار که در روند فعلیت یافتن خود تولید ارزش اضافی می کند. اصولاً سرمایه داری نیز علت وجودیش بر همین تولید ارزش اضافی که نیروی کار ایجاد می کند برپاست. اما آزادی فروشنده نیروی کار تا وقتی است که وارد عرصه تولید نشده است.

زمانی که وارد روند تولید شد دیگر اختیار در انتخاب نوع کار و نوع تولید از او سلب می شود و گوش به فرمان سرمایه است تا آن چیزی سودآورتر است را تولید کند. اینکه نیاز مصرف جامعه چیست، کلاً مورد نظر سرمایه دار نیست. براین مبنا تولید می کند که بفروشد و ارزش اضافی تولید شده را متحقق کند. برای این منظور برای افزودن بر سود خود برشددت کارمی افزاید و اضافه کاریهای اجباری را به نیروی کار تحمیل می کند و اخراج می کند(توهم است که فکر کنیم در جامعه سرمایه داری بیکاری و اعتیاد نباشد) کارگران هم برای مقابله با شدت کار، افزایش دستمزد جلوگیری از اخراج و ... همیشه با سرمایه دار درگیر هستند. علت وجودی درگیری بین کار و سرمایه تا این روابط تولیدی وجود داشته باشد وجود خواهد داشت. دولت سرمایه داران هم در زمانی که نیاز به وجودش باشد در صحنه حاضر می شود. مقابله با تظاهرات کارگران مقابله با تجمع ها، هزینه کردن بخشی از ارزش اضافه تولید شده به وسیله کارگران در جهت تجهیز نیروهای نظامی و انتظامی و دیگر نهادها و سازمانهایی که به نوعی سیستم سرمایه داری را توجیه می کنند و تبیغات آگاهانه ای که در جهت ابدی نشان دادن سیستم سرمایه داری تا سرکوب مستقیم کارگران معترض از جمله اقدامات دولت در حمایت از سرمایه داران می باشد. یعنی سرمایه داران به مثابه عناصری جدا شده از شیوه تولید سرمایه داری نبوده بلکه دولت و دیگر نهاده های وابسته به دولت هم در خدمت حفظ این نظام از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند. در شیوه تولید سرمایه داری هر کدام به نوعی در حفظ سیستم سرمایه داری وظیفه ای را بر عهده دارند. در گزارش هم این وابستگی نهادهای دولتی با صاحب کارخانه به خوبی مشهود است.

همانطوریکه در گزارش آمده است در طی اعتراضات کارگران از مدیرعامل شرکت گرفته تا عوامل اداره کار همه و همه در صدد بودند که با امروز و فردا کردن کارگران به نوعی از خیر حقوق معوقه خود بگذرند. تنها چیزی که در این میان باعث شد تا کارگران بتوانند از فروش محصولات کارخانه که به وسیله کارگران تولید شده بود جلوگیری کنند اتحاد و همبستگی کارگران اخراجی بود و حال مانده که کارگران حقوق معوقه به این بخش از کارگران بپیوندند که بتوانند با اتکا به نیروی خود به مقابله با اخراج و به عقب افتادن پرداخت حقوق پرداخته و مطالبات خود را عملی کنند. ناگفته پیداست که تعدادی از کارگران باز هم بر این عقیده اند که میتوانیم با گفتگو و مذاکره به خواست های خود برسیم. ضمن اینکه گفتگو و مذاکره را کلا رد نمی کنیم. اما این موضوع را طی مبارزات خود دریافته ایم که سرمایه داران زمانی عقب نشینی می کنند که ما را در مقابله با خود جدی ببینند در این صورت مذاکرات هم می تواند در راستای مبارزات کارگران نتیجه بخش باشد. البته در بین کارگران نگرشهای مختلفی وجود دارد بعضی ها سمت و سوی کارگران و تشکل کارگری را به همسویی با سرمایه و نه بر علیه سرمایه می بینند.

کارگران چینی همگام ضمن متشکل نمودن خودمی توانند با دیگر کارگران حقوق معوقه ارتباط برقرار کنند. کارگری از فقر و تنگدستی نمی تواند فرزند بیمارش را در بیمارستان بستری کند و در نتیجه فرزندش را از دست می دهد و عوامل دولتی هم در اتحاد با سرمایه داران به مقابله با کارگران می آیند. این موضوع صرفاً در رابطه با کارگران شرکت چینی همگام صدق نمی کند بلکه برخاسته از ذات سرمایه داری است. این محتوا و مضمون رابطه کار و سرمایه است. کارگران فرانسوی نیز برای جلوگیری از تصویب قوانین ضدکارگری ضرورتاً به مقابله با سرمایه داران فرانسوی برخاستند. آسمان جهان سرمایه داری همه جا همین رنگ است. بدین جهت نمی توان مبارزات کارگری را صرفاً اقتصادی دانست بلکه مبارزات کارگران اقتصادی سیاسی است. اگر همبستگی کارگران در جهان

جلوه واقعی ندارد به علت نبود تشکل های واقعی طبقه کارگر است. به همین خاطر است که بسیاری از دستاوردهای جنبش کارگری چون بیمه بیکاری مادام العمر و خدمات درمانی رایگان مورد هجوم سرمایه داری قرار گرفته است. نگرشی که می گوید پایین بودن دستمزد کارگران به خاطر پایین بودن سطح بهره وری نیروی کار است تحریف واقعیت است. در کارخانه هایی همچون ایران خودرو با وجود بالا بودن بهره وری نیروی کار دستمزد کارگران نسبت به دیگر کارگران ماشین ساز در سطح جهان بسیار پایین تر است. از سوی دیگر سرمایه داران ایرانی با بالا بردن شدت کار و اضافه کاریهای اجباری و به ویژه پایین آوردن دستمزد و به سخن دیگر بهره کشی از نیروی کار ارزان از نظر تولید ارزش اضافه نسبت به دیگر سرمایه داران موفق تر بوده اند و نمونه دیگر همین چینی همگام است که به قیمت بهره کشی از نیروی کار ارزان توانسته است در کشور های دیگر سرمایه گذاری کند.

کارگران چینی همگام با ایجاد تشکل خود برای مقابله با اخراج کارگری و گرفتن حقوق های معوقه و جلوگیری از فروش محصولات کارخانه می توانند مدیر عامل شرکت را وادار به عملی کردن مطالبات خود کنند. کارگران چینی همگام می توانند برای آگاه شدن از دستاوردها و تجربیات دیگران کارگران هم سرنوشت خود همچون کارگران هفت تپه با آنها تماس بگیرند و در جهت ایجاد تشکل سراسری کارگران اقدام کنند. اما آن چیزی که کلیه کارگران از حقوق معوقه و اخراجی و بیکاری و ... گرفته تا کارگران شاغل را به هم گره می زند، عدم امنیت شغلی است. به واقع عدم امنیت شغلی محوری است که می تواند کلیه کارگران را متحد و متشکل کند.

طرف عده ای از کارگران چینی همگام شهرکرد

امید ح.ت

۲ آذر ماه ۱۳۸۷